

نگاهی به بخش بین الملل سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر

اجرای یک کار ضعیف از مهد نمایش جهان

نمایش «تسلا» از کشور یونان بدون رعایت نکات ابتدایی یک نمایش در جشنواره تئاتر فجر روی صحنه رفت



■ ملیکا گل محمدی

سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به دبیری نادر برهانی مرند از پنج‌شنبه ۱۰بهمن فعالیت خود را آغاز کرد و شامگاه ۲۱بهمن با معرفی بر تر بین‌ها و برگزیدگان این رویداد بزرگ هنری به کار خود پایان داد. نمایش‌های «سکوت» و «شهر بد» به کارگردانی پاول ژوکوتاک از لهستان، «گل‌های دست‌ساز» به کارگردانی زیریار داداسیان از ارمنستان و نمایش «تسلا» به کارگردانی میخاییل گیگنتیس از یونان در بخش تئاتر ملل سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به صحنه رفتند. نمایش «روح» از کشور سوئیس که شامل دو قطعه نمایش «جعبه» و «تاق» می‌شد در ادامه جشنواره برای مخاطبان اجرا شد. فراخوان این دوره از جشنواره تیرماه سال جاری منتشر شد و آثار در بخش‌های صحنه‌ای، نمایش‌های خیابانی، دیگر گونه‌های اجرایی، تئاتر ملل، مسابقه نمایشنامه‌نویسی، مسابقه و نمایشگاه عکس و پوستر تئاتر، کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی و بخش به‌علاوه فجر به صورت رقابتی و غیررقابتی به صورت تفکیک‌شده پذیرفته شدند.

■ **تکیه بر هویت ملی و بومی**

بخش تئاتر ملل با ظرفیت پذیرش حداکثر هشت نمایش غیرایرانی و ۱۵ نمایش ایرانی برگزار شد. برای پذیرش آثار در هر بخش شاخص‌هایی مدنظر است و در بخش تئاتر ملل ویژگی بارز این شاخص‌ها کیفیت، تنوع و نوآوری است که البته این ویژگی‌ها با بخش‌های دیگر نیز مشترک است. ویژگی‌ای که این بخش را از سایر قسمت‌ها تمیز می‌دهد طرح اندیشه‌های جهانشمول با تکیه بر هویت ملی و بومی است. گروه‌های ایرانی پذیرفته شده در مسابقه تئاتر بین‌الملل، ملزم هستند متن نمایشنامه خود را به زبان انگلیسی ترجمه کنند و گروه‌های خارجی زبان، در صورتی که نمایششان دیالوگ‌محور باشد باید متن نمایشنامه خود را به زبان فارسی ترجمه و تایک ماه قبل از برگزاری جشنواره به دبیر خانه جشنواره ارائه کنند. این کار به منظور درج در راهنمای داوران و تماشاگران غیرایرانی و بر عکسب فارسی‌زبان است. گروه‌های رای یافته به این مسابقه با توجه به ویژگی‌های اجرایی نمایش بر اساس ضوابط اعطای کمک مالی جشنواره، حداقل ۲۰میلیون ریال و

حداکثر ۲۰۰میلیون ریال کمک‌هزینه دریافت خواهند کرد. با این تفاسیر برای تئاتری که کل سال به‌واسطه کمبود بودجه کاسه چه‌کنم کتم در دست دارد لازم است برای انتخاب نمایش برتر ورودی به جشنواره و اعطای کمک‌هزینه به آنها تمام بررسی‌های لازم را انجام دهد. بسیاری از نمایش‌های خوب در طول سال با هزار مکافات و به این در و آن در زدن ۲۰میلیون ریال کمک هزینه آن‌هم بعد از یک تئاتر بی‌کیفیت خارجی یک‌شبه ۱۰برابر کمک‌هزینه آنها را صرفاً چون از کشور خارجی است دریافت کند.

تعامل با سایر کشورها خصوصاً به بهانه اشتراک فرهنگ و نزدیک شدن هر چه بیشتر دو کشور زیاست اما هر جشنواره‌ای قانون خودش را دارد. زمانی که بینانگذازان و مسئولان اجرایی یک جشنواره قوانین ابتدایی آن را رعایت نکنند چه

حداکثر ۲۰۰میلیون ریال کمک‌هزینه دریافت خواهند کرد. با این تفاسیر برای تئاتری که کل سال به‌واسطه کمبود بودجه کاسه چه‌کنم کتم در دست دارد لازم است برای انتخاب نمایش برتر ورودی به جشنواره و اعطای کمک‌هزینه به آنها تمام بررسی‌های لازم را انجام دهد. بسیاری از نمایش‌های خوب در طول سال با هزار مکافات و به این در و آن در زدن ۲۰میلیون ریال کمک هزینه آن‌هم بعد از یک تئاتر بی‌کیفیت خارجی یک‌شبه ۱۰برابر کمک‌هزینه آنها را صرفاً چون از کشور خارجی است دریافت کند. تعامل با سایر کشورها خصوصاً به بهانه اشتراک فرهنگ و نزدیک شدن هر چه بیشتر دو کشور زیاست اما هر جشنواره‌ای قانون خودش را دارد. زمانی که بینانگذازان و مسئولان اجرایی یک جشنواره قوانین ابتدایی آن را رعایت نکنند چه

دبیر سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر:

جشنواره موسیقی فجر فرصتی است برای شناخت ظرفیت‌ها



مردم به صورت سنتی زندگی می‌کردند. تاریخ نگارش داستان‌ها که در پایان‌بندی آنها نقش بسته، خواننده را به همان فضاهای قدیمی و سرشار از نوستالژی می‌برد. داستان‌های این کتاب به دورهای برمی‌گردد که شستن رخت توی تشت و اسکناس‌های ۲۰ تومانی و ۵۰ تومانی هنوز در میان مردم رواج داشت و کفتر بازی، تیروکمان بازی و آتش‌بازی جزو بازی‌های پرطرفدار بچه‌ها به حساب می‌آمد. نویسنده این مجموعه که در زمان روایت داستان‌ها خود نوجوان بوده در ثبت کردن لحظه‌ها و خاطرات نوجوانی‌اش موفق عمل کرده است و این خود از ویژگی‌های جالب توجه این مجموعه داستان به شمار می‌رود.

توقعی از کشور‌های شرکت‌کننده و دوست می‌رود؟ نزدیک شدن دو کشور خوب است ولی به چه بهایی؟

■ **هدف‌گذاری‌ای که معیوب است**

اگر هدف، شرکت در جشنواره نیست و بحث جذب گردشگران خارجی مطرح است که از سایر کشورها بیایند و در کنار تفریح و سفری که به ایران دارند، زبان کار تماشاگران از درک مفهوم عاجز و در کنار آن باز یگران کار هم از انتقال مفهوم به‌وسیله زبان بدن عاجز بودند. بازی‌ها بسیار ضعیف و دم‌دستی بدون رعایت نکات ابتدایی بازی روی صحنه بود.

■ **الزامات پذیرش نمایش خارجی**

در تئاتر بین‌المللی، نمایش باید به گونه‌ای باشد که بدون توجه به دیالوگ حداقل بخشی از مفهوم کار به‌وسیله بازی‌های قوی، استفاده به‌موقع و تأثیرگذار از موسیقی زنده یا پلی‌یک‌یا حتی به صورت مر سوم تر تماشاگران برای تسلط به مانیپور کاری غیرقابل قبول بود. شاید این قضیه متأثر از بی‌تجربگی و جوان بودن کارگردان کار بود. البته در کشور خودمان شاهد ارائه کارهایی قوی توسط کارگردانان جوان هستیم ولی متأسفانه در نمایش میخاییل گیگنتیس شاهد این توانمندی نبودیم.

در انتها با تمام سختی‌ها، امسال هم شاهد برگزاری جشنواره تئاتر فجر و خوشیخانه شاهد ارائه کار در بخش بین‌الملل هم بودیم. به وجود چنین بخشی در خلال جشنواره باعث خرسندی است. امیدواریم در سال‌های آینده شاهد روند قابل قبول‌تری در بخش انتخاب کارهای ورودی به جشنواره باشیم.

کتاب کارنامه مشترک شهیدان سلیمانی و سوداگر چاپ شد

حاج‌قاسم سلیمانی و حاج‌احمد سوداگر به‌تازگی توسط انتشارات لیلوفران منتشر و راهی بازار نشر شده است. وی افزود: تلاش شد این کتاب هم‌زمان باایام چهلم شهادت حاج‌قاسم سلیمانی و هشتمین سالگرد شهادت حاج‌احمد سوداگر تدوین و منتشر شود. تدوین این کتاب راه سفارش مؤسسه سرلشکر شهید احمد سوداگر انجام‌دادم که در شمارگان ۲ هزار جلد منتشر شده است. این نویسنده کتاب‌های دفاع مقدس گفت: شهیدان سلیمانی و سوداگر در سال‌های جبهه، کنار هم بودند و پس از دفاع مقدس هم سهم‌مهمی در شکل‌گیری اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران داشتند. در کتاب «سرداران دل‌ها»، برش‌هایی از زندگی جهادی و مبارزه آنها با دشمنان ایران و اسلام گردآوری و تدوین شده است.



عبدالرضا سالمی‌نژاد از انتشار کتاب «سرداران دل‌ها» درباره کارنامه مشترک شهیدان حاج‌قاسم سلیمانی و حاج‌احمد سوداگر خبر داد.

به گزارش مهر، عبدالرضا سالمی‌نژاد نویسنده و پژوهشگر گفت: «سرداران دل‌ها» به‌عنوان کتاب جدیدم با محوریت فعالیت‌های مشترک شهید

(۵۰) با زخمی‌شدن ماهی سرخ کوچولو توسط راوی و مرگ تدریجی آن در شب عید هم یکی دیگر از داستان‌های تلخ این مجموعه به نام «ماهی سبز» است که به نظر من از صمیمیت و یکدست بودن داستان‌ها کاسته است. نکته بعدی اینکه مکان به وجود آمدن حوادث داستان‌ها مشخص نیست. دیالوگ‌های عامیانه‌ای که از زبان شخصیت‌های داستان رد و بدل می‌شود اغلب به زبان تهرانی می‌زند اما در واقع تهرانی نیست و گویش‌های متفاوتی را در داستان‌ها می‌بینم. مثل: «مگه به تو نیست؟!» (صفحه ۳۷-داستان قیقاچ کبوتر‌ها)، این جمله چند بار در کتاب تکرار شده و اگر به جای این دیالوگ از جمله «مگه با تو نیست؟» استفاده می‌شد، از لحاظ نگارشی صحیح‌تر بود. و یا ویراستار کتاب، خیلی راحت می‌توانست بی‌آنکه لطمه‌ای به پرداخت داستان بزند آن را تصحیح کند. یا در لابه‌لای کتاب از کلماتی استفاده شده که در پانویس کتاب به گویش منطقه‌ای آنها برای شناخت نوجوانان اشاره نشده است. مثلاً «سله‌ها» که به معنای برنده‌فروش‌ها است یا «لقمه تیرو کمان که همان تکه‌ای از چرم است که نگهدارنده سنگ است» یا «قیقاچ کتتر‌ها» که به معنای اریب پرواز کردن آنهاست.

در کلیت داستان‌ها سکنه‌های ویرایشی زیادی وجود دارد که نویسنده به راحتی می‌توانست آنها را دیت کند و به کیفیت نثر داستان بیفزاید. مثل این جملات که برای مخاطب قدری نامفهومند: «...همسایه‌ها و کسانی که ماشین نداشتند پخش و پار شدند!» (صفحه ۶۲- داستان عروسی)

در خانه را باز کردم و خودم را انداختم توی کوچه. صدای ننه با دم‌پایی‌اش پشت سرم جا ماند. توی کوچه باد می‌آمد و هوا خنک بود. به پشت بام همسایه که نگاه کردم، کلاغه را دیدم که داشت کار صابون ننه را می‌ساخت...» (صفحه ۱۱- زیر درخت انجیر)



کتاب «برخیزید» رونمایی شد

سرودهای اول انقلاب شناسنامه انقلاب هستند

■ **عارف جعفری**

کتاب «برخیزید»، خاطرات سیدحمید شاهنگیان آهنگساز سرودهای خاطره‌انگیز اول انقلاب رونمایی شد. شاهنگیان در مراسم رونمایی از این کتاب سرودهای انقلابی را شناسنامه انقلاب عنوان کرد. در ابتدای این برنامه، روح‌الله رشیدی نویسنده کتاب در سخنانی گفت: خوشبختی بزرگ من و دوستان بنده در مجموعه دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب معاصر با جمعی از درادان‌های فرهنگی انقلاب است. به این دلیل درانه می‌گویم که مثل آنها دیگر تکرار نخواهد شد و هیچ‌وقت آن بستر تاریخی که این عزیزان در آن درخشیدند، تکرار نخواهد شد. وی افزود: این خوشبختی مضاعف، زمانی حاصل می‌شود که ما با این عزیزان معاشرت و مصاحبت هم کردیم و این موضوع هم توفیق انحصاری بود که خواننده نصیب ما کرد و از این بابت هم خدا را شاکر هستیم. همچنین از استاد شاهنگیان هم تشکر می‌کنیم که این اجازه را به ما دادند که زندگی ایشان به واسطه کلام و جملات ما بر روی کاغذ جاری شود و به مخاطبان انتقال پیدا کند. نویسنده کتاب «برخیزید» ادامه داد: دوستان در جریان هستند که در سه سال اخیر مجموعه کتاب‌های تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب با محوریت تاریخ‌نگاری فرهنگ و هنر انقلاب در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ برخی از محصولات آن به فرجام رسید و منتشر شد و آن مجموعه باانتشار کتاب‌های جدید آرام آرام تکمیل می‌شود.

رشیدی عنوان کرد: استاد شاهنگیان در سال‌های ۵۷ و ۵۸ همانند بسیاری از نیروهای اصیل انقلاب در چند جبهه و حوزه فعال بودند و کار کردند، از سیاه گرفته تا بنیاد هنری مستضعفان و سپس به مرکز موسیقی آمدند و خلاصه کارهای مختلفی که در این کتاب گوشه‌هایی از آنها را با قلم نارسای خودمان سعی کردیم بنشانیم. مردم قاضی محقق کتاب «برخیزید» نیز در سخنانی گفت: وقتی در سال ۹۱ وارد دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب شدم اولین کاری که با توجه به تجربه‌ام به من پیشنهاد شد این بود که تلاش‌هایی در حوزه ثبت خاطرات تاریخ شفاهی موسیقی انقلاب صورت گرفته و لازم است تا مجموعه‌های منسجم و با فکر آن را به نتایج‌های برساند. وی افزود: در اولین قدم ما بزرگان و سرآمدان حوزه سرود و موسیقی مردمی انقلاب را لیست کردیم. در نفرات اول استاد شاهنگیان قرار داشتند. از خوانندگان استاد گلریز و از آهنگسازان احمدعلی رافغ هم بودند. محقق کتاب «برخیزید» ادامه داد: مسئولیت مدیریت کل این پروژه‌ها به من واگذار شد. در آن زمان من دوره‌ای را برگزار کردم و بزرگوارانی نیز در آن دوره شرکت کردند و آنهایی که در این دوره‌ها شرکت کردند محققین این پروژه‌ها شدند. بر این اساس که قرار شد هر دو نفر خدمت‌هر بزرگوار بروند و مصاحبه‌ها را انجام‌دهند. در این مراسم حمید شاهنگیان در سخنانی باالشاره به ارزش معنوی و تاریخی سرودهای منتشر شده در بحبوحه سال ۵۷، آثار را شناسنامه انقلاب اسلامی نامید.

نگاهی به فیلم قصیده گاو سفید

فیلم کوتاهی که کش آمده

■ **افشین علیار**

قصیده گاو سفید عنوان دومین اثر سینمایی «بهتاش صناعی‌ها» است. معمولاً مر سوم است که فیلمسازها در دومین فیلم اشتباهات فیلم اول را جبران می‌کنند و اثر به نسبت شسته و رفته‌تری می‌سازند اما صناعی‌ها در دومین فیلمش نه تنها چیزی را جبران نکرده است بلکه فیلم نخست و یعنی احتمال باران اسیدی با همه ایرادهای ساختاری و مضمونی‌اش باز از قصیده گاو سفید جلوتر است چراکه صناعی‌ها به هیچ وجه نمی‌تواند دست از ادا و اطوارهای بصری و ساختاری بردارد و هنوز به این باور نرسیده که فرم باید از متن بیاید، اساساً این فیلم می‌توانست یک فیلم کوتاه ۱۰ یا ۲۰ دقیقه‌ای باشد. مضمون در این فیلم به صورت کلیشه‌ای بیان شده است و این دلیل اصلی بر لکت در رضادل می‌ی‌ی‌ند و اصلاً هم برایش مهم نیست رضا چه کسی است، برادر شوهر این میان ریتم در تعلیق قصه گویی دچار آسیب شده. فیلمساز می‌توانست با استفاده از یک فیلمنامه منسجم به فرم دلخواه برسد اما تصور می‌شود قصیده

گاو سفید در حدیاده یا طرح چند خطی باقی مانده است و فیلمساز سعی کرده مضمون را در اجرا پیدا کند و با قصه گویی توسط جلوه‌های بصری و ریتم به فرم دلخواه برسد اما آنچه که روی پرده شکل گرفته تصویری به‌هم چسبیده است با کشش بیش از حد که اساساً با این شرگرد نمی‌شود فیلم هنری خلق کرد. بله صناعی‌ها سعی داشته با زمانی طولانی دوساعته از قصه گویی گذر کند و به فرم برسد. بازگاری از موقعیت و کشدار کردن نماها و دیر کات دادن می‌تواند باعث ایجاد فرم شود. قصیده گاو سفید فاقد ژانر است، این اثر ملغمه‌ای از ژانرهای دلخواه فیلمساز می‌باشد به طوری که ملودرام و تر آزدی و رمانتیک ادغام شده است اما این فیلم در هیچ یک از ژانر‌ها نمی‌تواند جا بگیرد چرا که قصه ظرفیت ولاغرش را ندارد. به تمام می‌رسد و دیگر هر چه که می‌گذرد تکرار مکررات است، انگار فیلمساز نوق‌ده انتخاب ایده شده ایده کش آمده به همین دلیل نوع روایت قابلیت توانایی و کشش لازم و لحن مورد نیاز را ندارد. گرافکتی لازم در فیلم دیده نمی‌شود. کاراکتر زن آن قدر بی‌دست و پاست که به سرعت به راضدل می‌ی‌ی‌ند و اصلاً هم برایش مهم نیست رضا چه کسی است، برادر شوهر این میان برای سکانس آخر در فیلم حضور دارد. نقش او چندان هم مهم نیست اما خب در چند سکانس دیالوگ‌های بی‌ربط می‌گوید. ناشنوخ بودن کودک هم دلیل غیر منطقی دارد و اساساً اگر کودک ناشنوا نبود اتفاقی رخ نمی‌داد، اگر رضا پسری نداشت یا اینکه فیلمساز برای جلبیت فیلمش از عناصر تکنیکی کمک گرفته که البته در این فیلم کارکردی ندارد، قصیده گاو سفید می‌توانست زودتر و در موقعیت بهتری به پایان برسد اما فیلمساز تصمیم می‌گیرد باید نثر نوع پایان‌بندی فیلم دوشم را به اتمام برساند و جالب است که در همین پایان هم تعلیق وجود دارد.

راستی در سکانس اول و آخر تصویر آن گاو چه معنی دارد؟

اساساً زمانی که فیلم با یک هدف مشخص ساخته نشود می‌توانیم آن را ادامه بدیم. در سکانس آخر هم وقتی مینا با کودکش خانه را ترک می‌کند باز هم این فیلم توانایی ادامه داشتن را دارد و البته این یک نکته مثبت برای فیلم تلقی نمی‌شود بلکه این امتیاز منفی برای عدم استفاده از یک قصه یا فیلمنامه منسجم است، بازی‌های ضعیف هم از نکات منفی این فیلم محسوب می‌شود. این فیلم قطعاً می‌تواند یک هنر و تجربه نافر جام باشد که در اکران عمومی‌اش با نا زبایتی مخاطب مواجه می‌شود.